



اگر از این راه می توان به حافظه کمک کرد و آنرا تقویت نمود

این پرده اسرار آمیز کارهایی در سر خدا عجاز انجام میدهد

فراموشی و فراموشکاری از موهبتهای بزرگ خدا است!

داخل وجود اسرار آمیز و پر معمای خود مشغول گردش بودیم. به طاقی رسیدیم که بیشک اسرار آمیزترین و پیچیده ترین دستگاهی موجود در این جهان آفرینش در آن است. مرکز فراموشی بدن، طاق اسرار آمیز مغز!

میخواستیم دست به نخستین پردمای که روی آن کشیده بود برده، کنارش برنیم که بما گفتند: یواش...!

چه خورا است که یواش؟ گفتند که این یک پرده ساده و معمولی است، این مرکز تمام خاطرات و محل بسایگان تمام حوادثی است که ماد طول عمر خود با آن رویرو میکنی اسلام

سالم، بدانجا مرکز حافظه است... و هر گوشه ای از آن آسیب ببیند ممکن است بخش طبیعی از خاطرات گذشته ما را بیدار بپوشاند.

بما گفتند کسانی را سراغ داریم که شرفا و کوشش عمل جراحی مغز قلمش از مغز آنها را که مستقیماً با دستگاههای حساس بدن ارتباط نداشته برانگیزد و بدین آن، چند سال از خاطرات و عمر گذشته خود را از دست داده اند. گوش در آن چند سال اصلاً روی زمین نوبدانند. حوادث این چند سال و احساسی را که در آن شناخته اند همگی را از یاد برده و با آن بیگانه شده اند.

گفتیم همیشه با به بیشتر توقف کنیم و به بررسی همین پرده نازک بپردازیم که هدف ما همینجاست. عیب یوغائی است، پشت سر هم از استاد فرماندهی مغز، دستور احضار پروندهها و سوابق اشخاص، و موضوعات مختلف داده می شود تا بر اساس آنها حوادث موسوم به معجزات جدید ارزیابی گردد، و در مدتی شاید کمتر از یک روز نام قابله پرونده ها ردوبدل می گردد، شلوغ عجیبی است، هیچ مرکز تلفن خود کاری با این پرکاری و سرعت نیست.

معجزه حافظه!

بما گفتند: شاگرد این دستگاه تمام مسئله سرعت و وسعت حوزه کشفه اش نیست بلکه معجزه می کند. گفتیم چکه نه؟... وجه کسی این نام را بر آن گذارده است؟ گفتند دانشمندان و علمای فن (۱). به یکی از آثارهای حیرت انگیز آن نام معجزه داده اند، و آن اینک:

بسیار می شود که انسان نامشخص ناموضوعی را بکلی فراموش می کند و سپس شروع به تلاش و کوشش برای پیدا کردن آن می کند. قسمه های با یکدیگر حافظه را یکی پس از دیگری زیر و رو می نماید و کشفه خود را همه جا دنبال می کند.

خوب، اگر انسان آن اسم ناموضوع را میدانده چاره اندیشی می کرده و اگر نمیدانده چگونه دنبال چیزی که نمی دانده می گردد، آیا ممکن است انسان دنبال گمشده ای بگردد که اصلاً نمی داند چیست

۱- به کتاب حافظه از سری چه میدانم مراجعه شود

یا کیست؟ این معال است، با این حال در مورد سبب فراموشی، انسان دنبال گمشده ای که نمی داند چیست می گردد و ناگاه با جمع آوری قراین مختلف، به سراغ قسمه ای می رود که گمشده او آنجاست و آنرا می یابد.

دانشمندان نام این را معجزه حافظه گذارده اند، و راستی جای این هم هست.

ولی در حقیقت در اینجا نکته باریکی است که راه حل این تضاد شکفت آور در آن نهفته است و آن اینک:

در اینگونه موارد انسان دنبال خود آن نام و یا آن موضوع که نمیداند نمی گردد بلکه برای بدست آوردن آن، مجموعه حوادثی را که همراه نام دوستش در ذهنش جمع آوری شده جستجو می کند، مثلاً بداند ما این دوست در فلان روز و فلان محل برای نخستین بار آشنا شده. فوراً پرونده آن روز و آن محل را از حافظه بیجاوند و به ورق زدن آن مشغول می شود ناگاه در لایه ای پرونده مزبور نام شخصی توجه او را بخود جلب می کند این نام بدون شك همان نام رفیق اوست، آنچنان از پیدا کردن گمشده اش شاد می شود که تمام رنجها را که برای یافتن آن متحمل شده فراموش می کند.

صحنه جالب دیگر، مسئله انداشی

گفتند: از خواص جانب دیگر این با یکسانی عظیم این است که خاطرها را بطور جدا گانه و مستقل از یکدیگر با یکدیگر نمی کند که این کارهاست

است اینها کمک زیادی به امر یادآوری و با ثبات
حافظه می کند. (دقت کنید)

نعمت بزرگ فراموشی!

بما گفتند: شاید، تعجب کنید و حق دارید تعجب
کنید که فراموشی یکی از موهبت‌های بزرگ خدا
است فراموشی کردن سرورها و مصیبت‌ها مانند آنرا
بسی گویم... آنکه جای خود دارد منظور فراموشی
کردن قدری مقدار زیادی از خاطرات گذشته دوران
کوچکی و یادورهایی بعد است.

در حقیقت دستگاه بایگانی حافظه ما این عمل کار
بسیار مهمی را انجام میدهد چنانکه تعداد قسمتهای
حافظه اگر چه فوق‌العاده زیاد است ولی بالاخره
محدود است و حسابی دارد، و اگر یک روز همه برسد،
هر حادثه جدیدی نخواهد در این محفظه راه یابد
تجدید می شود و با گذشتن می شود بیخشد جانست آن
و به این ترتیب انسان حتی از حفظ یک کلمه یا
یک نام کوچک جدید عاجز خواهد ماند. چهره نوشتن
خوب و خوشنما کی است.

اما این دستگاه با وراثت ما یک باورده خاطرات
و مسائل جدید تعدادی از پرونده‌های بی مصرف
گذشته را به دور می‌برد و خاطراتی را که چندان
بدهد امر خود و اهمیت حیاتی ندارد فراموش
نماید. هر چه با اصلاح خانه تکالی می نماید، و
فلسفه داران ما بشرش موضوعات جدید، ترویج
و تقاضا می سازد.

و چنانچه اینک در این کار جدیدی با فراموشی است که
مسائل مورد نیاز هر روز در همانی را که در ذهن می‌شکند
دخالت دارد مقبول این تمیز قرار نمی‌دهد. آنها
به سزاغ آنها می‌رود که کم اهمیت است و شایسته
سپردن به دست فراموشی.

و ما گفتم اول... چه دستگاه عجیب و حساب
شده‌ای که تا کنون از نقش آن اطلاع کافی نداشتیم.

بسیار پیچیده و پر زحمت، بلکه خاطرها را بصورت
گروه‌گروه حفظ می‌کند، و حتی در میان این
گروه‌ها هم حلقه‌های اتصال و رشته‌های ارتباطی برقرار
می‌سازد.

فایده مهم این کار سرعت و وسعت فوق‌العاده عمل
یادآوری و جلوگیری از نسیان و فراموشی است،
زیرا مسائل یک گروه مانند حلقه‌های زنجیر بهم
پیوسته‌اند. کافی است یکی از حلقات را حرکت
دهد و تمام حلقه‌ها تحریک شود عمل یادآوری
سودت گیرد.

ممکن است انسان پارامی از مشخصات یک شخص
یا یک حادثه و فراموشی کند، اگر هر کدام جداگانه
بایگانی می‌شد عمل یادآوری در این موقع ممکن
نبود، اما بایگانی دسته چینی سبب می‌شود که
همیشه راهی بسوی پیدا کردن گذشته‌های شخصی
دوست باشد، چنانکه فراموش کردن معانی برای
گروه کمتر اتفاق می‌افتد.

این همان چیزی است که نام آنرا **انگاشتی معانی**
می‌گذارند.

دیر از اینجا یک راه مؤثر برای «تقویت
حافظه» استنباط کرده‌اند و آن اینکه بهنگامی که
چیزی را حفظ می‌کنیم سعی نمائیم تداعی چشمی
میان آن مطلب و حوادث زمانی و مکانی دیگر ایجاد
کنیم، یعنی این موضوع را به همراه گروهی از حوادث
اطراف آن، به حافظه بفرستیم تا با تکلیف یکی از
حلقات این حوادث، یادآوری به آسانی صورت
گیرد، مثلاً بهنگام حفظ کردن نام فلان شهر توجه
داشته باشیم که حرف اول آن شبیه حرف اول نام
خود ما و حرف دومش شبیه نام در قیماں و آنهنگ
کلمه‌اش شبیه آهنک نام فلان مؤسسه یا فلان خوابان